



از صفر تا ۲۰

پله‌های اراده

علوی

سختی‌ها و مارات‌ها نتوانست از اراده و انگیزه آن‌ها برای پیمودن این مسیر ناهموار کم کند. راه طولانی بود و مسیر سخت اما توانستند گام به گام و آهسته آهسته به مسیر خود ادامه دهند و هیچ هراسی به دل خود راه ندادند.

تشنه یادگیری و عزم‌شان را جزم کرده بودند تا بتوانند به اهداف عالی خود برسند.

هر یک به دلیلی در زمان خود نتوانستند درس بخوانند، یکی پدرش کشاورز بود و در روستای شان مدرسه نبود، دیگری خانواده اش پولی برای ادامه تحصیل نداشت تا بتواند مانند بچه‌های دیگر به مدرسه برود و پشت نیمکت‌ها درس بخواند، برخی از آن‌ها قالی باف بودند و برخی دیگر کمک‌حال پدر، به همین دلیل نتوانستند در موعد مناسب به مدرسه بروند.

چنان که یکی از آن‌ها اظهار می‌کند: امکان تحصیل برایم فراهم نبود و مجبور بودم به جای حضور در کلاس درس پشت دار قالی بنشینم.

شهریور هر سال که هم سن و سالانم برای حضور در کلاس‌های درس آماده

می‌شدند افسوس می‌خوردم و خیلی ناراحت می‌شدم.

«عزیز!... جعفری» ادامه می‌دهد: بالاخره در ۱۲ سالگی با شرکت در کلاس‌های نهضت سوادآموزی شروع به تحصیل کردم، علاقه خیلی زیادی به درس داشتم و توانستم به صورت فشرده درس بخوانم و در سال ۷۱ دیپلم گرفتم.

وی که اکنون مدرک دکترا دارد و استاد دانشگاه است، خاطرنشان می‌کند: با توجه به استعدادی که داشتم در سال ۷۱ در کنکور شرکت کردم و در رشته مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی شریف قبول شدم و لیسانس گرفتم.

سپس فوق‌لیسانس و دکترایم را از دانشگاه تربیت مدرس تا سال ۸۲ دریافت کردم.

وی می‌گوید: با ادامه تحصیل مسیر زندگی‌ام عوض شد. او در این مدت توانسته است در ۴۰ واحد صنعتی کشور و پروژه‌های مختلف کار کند و اکنون در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته مهندسی صنایع به عنوان استاد دانشگاه مشغول تدریس است و موفقیت خود را مرهون دست اندرکاران نهضت سوادآموزی می‌داند

که دست او را به عنوان یک بازمانده از تحصیل گرفتند و یاری کردند.

«خدیجه محمدی» نیز کم و بیش چنین سرنوشتی داشته است.

او متولد سال ۵۲ است، به دلیل آن که پدرش کشاورز بود و زمانی که به شهر می‌آمدند از موعد ثبت نام و مدرسه رفتن بچه‌ها گذشته بود به ناچار تا ۱۱ سالگی نتوانست به مدرسه برود تا این که وارد نهضت سوادآموزی می‌شود.

وی ادامه می‌دهد: دوره مقدماتی و تکمیلی را در نهضت سپری کردم، پس

از آن کلاس پنجم را به صورت شبانه در یکی از دبیرستان‌های دخترانه بجنورد خواندم.

وقتی اول راهنمایی شدم ازدواج کردم اما این کار مانع ادامه تحصیل‌ام نشد و با این که با خانه‌داری و به دنیا آمدن نخستین فرزندم درگیر بودم اما به

صورت شبانه درس می‌خواندم. وی می‌افزاید: زمانی که فرزند دوم به دنیا آمد در رشته طراحی دوخت دانشگاه مشهد قبول شدم و به دلیل داشتن فرزند کوچک، غیر حضوری درس خواندم و ترم بعد برای بجنورد انتقالی گرفتم. او که عزم راسخی برای درس خواندن داشت، اظهار می‌کند:

بعد از گرفتن مدرک فوق دیپلم در نخستین آزمون استخدامی آموزش و پرورش به عنوان نیروی ذخیره قبول شدم که به علت کمبود نیرو خواستند در مقطع ابتدایی مشغول به کار شوم و تاکنون در این مقطع دوست داشته‌ام تدریس کنم.

وی که به این میزان از تحصیل رضایت نداده است، ادامه می‌دهد: سال دوم در رشته کارشناسی گران قبول شدم و طوری برنامه‌ریزی کردم که درس خواندنم لطمه‌ای به خانواده‌ام وارد نکند. آرزو داشت قرآن بخواند اما سواد نداشت، در روستای روئین زندگی می‌کرد و می‌گوید: مرحوم

پدرم سواد قرآنی داشت و صبح‌ها ما را با خواندن قرآن بیدار می‌کرد، در آن زمان من ۱۰ سال داشتم، آرزو داشتم قرآن بخوانم اما سواد نداشتم تا این که نهضت سوادآموزی در روستا بی‌سوادان را ثبت نام کرد. «فاطمه عباس بلوچ» ادامه می‌دهد: از پدرم خواستم مرا ثبت نام کند اما با وجود ناراضی‌های پدرم با اصرار و اشتیاقی که به سوادآموزی داشتم، وی را راضی کردم.

وی می‌افزاید: روزها قالی بافی می‌کردم و شب‌ها به مدرسه می‌رفتم و با این همه سختی و مشغله موفق به گذراندن دوره‌های مقدماتی و تکمیلی

نهضت شدم.

۱۵ ساله بودم که از روستا به اسفراین کوچ کردیم. وی می‌گوید که پس از عزیمت به شهر فرصتی پیش آمد تا ادامه تحصیل دهد.

وی ادامه می‌دهد: با وقفه‌ای که در درس خواندنم پیش آمد، امکان ادامه تحصیل و رفتن به دانشگاه و پرداخت هزینه آن را نداشتم چون قالی بافی درآمد زیادی نداشت و رفتن به دانشگاه و آرزوی معلم شدن برای همیشه در دلم ماند اما خداوند را شاکرم که مرا با خواندن قرآن آشنا کرد و باعث شد سر لوحه زندگی‌ام قرار بگیرد و موجب موفقیت‌ام شود.



الو پزشک

نسخه‌ای برای کاهش وزن

گروه اجتماعی- چاقی در قرن ۲۱ به دلیل تغییر نوع تغذیه و بی‌ تحرکی، می‌توان گفت به زنگ خطر برای بشر تبدیل شده است. به گفته دکتر «حسن حاج طالبی» پزشک طب سنتی، انسان دارای یک طبیعت مدبره است که به آن طبیعت اول گفته می‌شود. از این طبیعت مدبره هم باید محافظت و هم طوری زندگی کنیم که تغییر نکند. وی ادامه می‌دهد: چاقی یک عادت نادرستی است که برای بدن طبیعت دوم ایجاد می‌کند و این طبیعت دوم است که طبیعت مدبره را کنار می‌زند و بدن ما یک بدن دیگری می‌شود. این تغییر نادرست سرنوشت فرد چاق را تعیین می‌کند. وی می‌گوید: به همین دلیل چاق‌ها به چاق بودن خود عادت می‌کنند و متوجه نمی‌شوند که به سمت خطر در حال حرکت هستند و این عادت بیماری‌های بسیار خطرناکی را به همراه خود می‌آورد. وی با بیان این که یکی از بیماری‌هایی که بسیاری از افراد چاق به آن مبتلا می‌شوند دیابت است، اظهار می‌کند: با چند روش ساده افراد چاق می‌توانند لاغر شوند به طوری که قبل از سیر شدن دست از غذا بکشند، مصرف قند را به یک چهارم کاهش دهند، غذای کم چرب بخورند، به طور روزانه و منظم ورزش کنند و یک روز در میان یادکش پشت و شکم انجام دهند.



دوربین اجتماعی

بار دیگری را به دوش کشیدن

علوی- وقتی به تنهایی می‌خواهد بار دیگری را به دوش بکشد و هر چه را که باید بار همون خود یعنی وانت نبسان شود، خود به تنهایی عهده‌دار می‌شود. برای راکبش فرقی نمی‌کند حادثه‌ای بیافریند یا نه؟ مهم این است که بار را به سلامت به مقصد برساند. شاید اگر کمی به خود زحمت می‌داد می‌توانست چند تکه بار دیگر را به آن بیفزاید اما انگار به همین اندازه بسنده کرده است و می‌خواهد رکورد همون خود را بزند!



(آگهی ابلاغ اجرائیه قرارداد بانکی کلاس ۱/۰۹۲۷/۱۴۱۰۰۰۷۱۴۱۰۴۰۰۱۳۹۸)

بدین وسیله به آقای محمد کرامتی نام پدر: قربان تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۰۳/۰۲ شماره ملی: ۰۶۸۱۲۶۷۵۱۸ شماره شناسنامه: ۱۲۰۰، به نشانی: بجنورد - ۳۲ متری شهدا جنب گورستان شهدا (متن سند) و یا بجنورد - ۳۲ متری شهر بازی پشت بیمارستان امام رضا (ع) نمایشگاه اتومبیل شایان (نشانی اظهاری) ابلاغ می‌شود که بانک ملی شعبه بلوار نیروگاه بجنورد به استناد قرارداد بانکی به شماره ۶۵۰۰۸۶۰۶۲۹۰۰۴ - ۱۳۹۳/۰۲/۲۴ جهت وصول مبلغ ۱۹۶/۹۲۷/۵۸۵ ریال تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۲ و به انضمام خسارت تأخیر متعلقه و از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه آقای کاظم جعفری و به ضمانت شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاس ۱/۰۹۲۷/۱۴۱۰۰۰۷۱۴۱۰۴۰۰۷۱۴۱۰۴۰۰۱۳۹۸ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۶ و ۱۳۹۸/۰۸/۲۹ مأمور مربوطه، ابلاغ به شما در نشانی متن سند و اظهاری میسر نگردیده است، لذا بنا به تقاضای بستاکار به شرح وارده به شماره ۱۳۹۸۰۵۰۰۷۱۴۱۰۱۱۶۱۹ - ۱۳۹۸/۰۹/۱۶ طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت بیست روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.

حمید عزیزی - رئیس اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد

۹/۸۱۲۶۷۵۱۸

(آگهی ابلاغ اجرائیه قرارداد بانکی کلاس ۱/۰۹۲۷/۱۴۱۰۰۰۷۱۴۱۰۴۰۰۱۳۹۸)

بدین وسیله به آقای کاظم جعفری نام پدر: علیرضا تاریخ تولد: ۱۳۶۴/۰۶/۳۰ شماره ملی: ۰۶۸۲۵۳۵۲۳۰ شماره شناسنامه: ۱۱، به نشانی: روستای ناظرآباد ابلاغ می‌شود که بانک ملی شعبه بلوار نیروگاه بجنورد به استناد قرارداد بانکی به شماره ۶۵۰۰۸۶۰۶۲۹۰۰۴ - ۱۳۹۳/۰۲/۲۴ جهت وصول مبلغ ۱۹۶/۹۲۷/۵۸۵ ریال تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۸ و به انضمام خسارت تأخیر متعلقه و از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاس ۱/۰۹۲۷/۱۴۱۰۰۰۷۱۴۱۰۴۰۰۷۱۴۱۰۴۰۰۱۳۹۸ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۲ مأمور مربوطه، ابلاغ به شما در نشانی متن سند به علت عدم شناسائی آدرس میسر نگردیده است، لذا بنا به تقاضای بستاکار به شرح وارده به شماره ۱۳۹۸۰۵۰۰۷۱۴۱۰۱۱۶۱۹ - ۱۳۹۸/۰۹/۱۶ طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت بیست روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.

حمید عزیزی - رئیس اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد

۹/۸۱۲۶۷۵۲۳۰